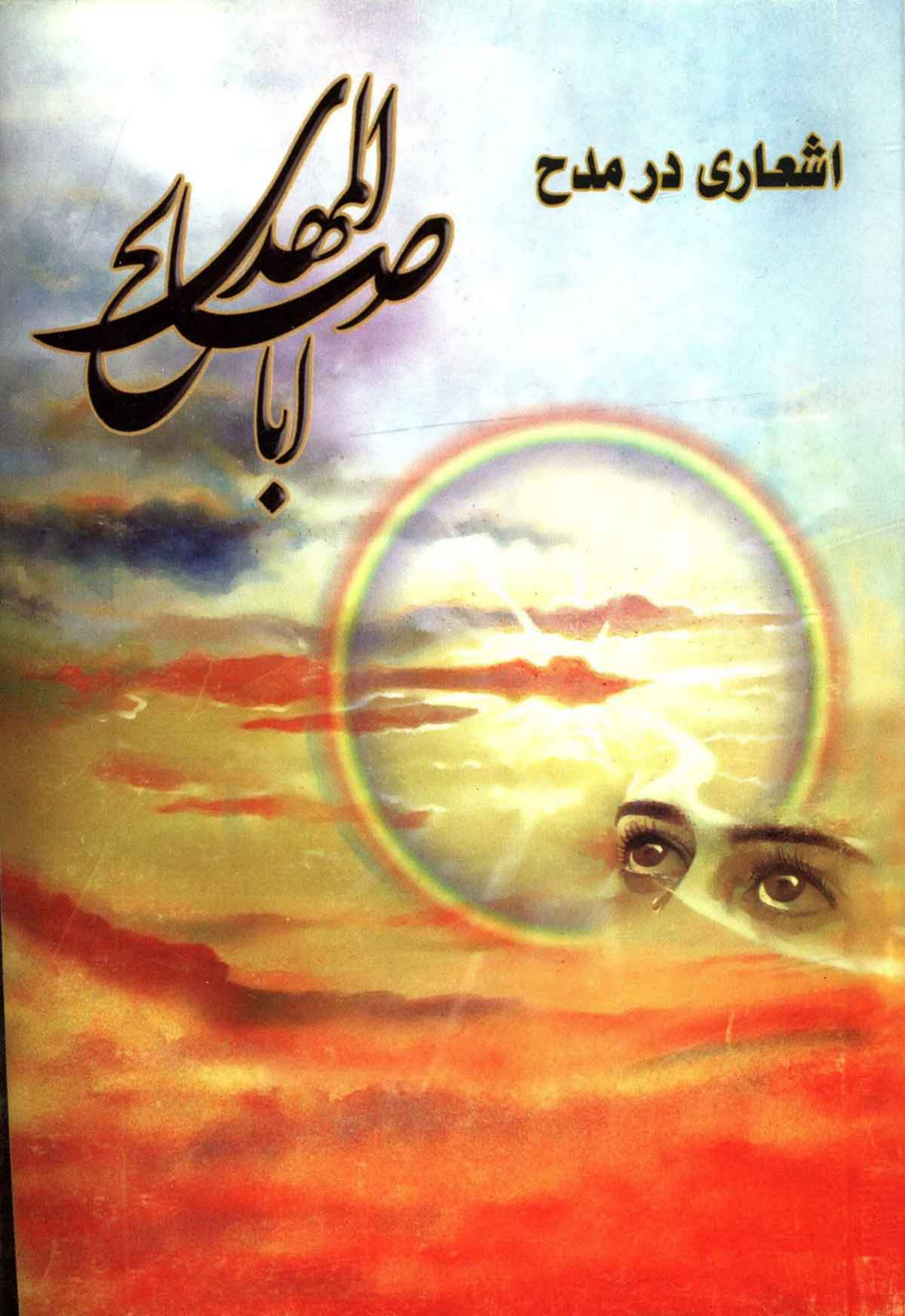


اشعاری در مدح

صالحه لاهیجی





گل محمدی آرمان، ۱۳۳۰.
اباصالح المهدی / تهیه و تنظیم: گل محمدی آرمان.
قم: دارالنشر اسلام چاپ اول ۱۳۸۰.
۲۲ ص.: جدول، نمونه.
۲۵۰۰ ریال 4 - 000 - 475 - ISBN 964
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
چاپ سوم: ۱۳۸۴. ۴۸ ص.
محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.
اشعاری در مدح اباصالح المهدی الف. عنوان.
۲۷۳۷ م / ۸۱۹۲ PIR ۶۲ / ۸۱
۱۳۸۴
کتابخانه ملی ایران ۱۸۴۳۶-۸۲ م

مرکز انتشارات دارالنشر اسلام - قم

نام کتاب: اشعاری در مدح اباصالح المهدی (عج)
تهیه و تنظیم: گل محمدی آرمان
چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۴
تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه
قطع: جیبی
لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه انتشارات دارالنشر اسلام
حروفنگار: خدمات کامپیوتری مبین
لیتوگرافی: کانون تبلیغات سیوند
تلفکس: ۰۲۲-۶۶۰۰۰۲۲-۶۱-۷۷۴۱-۲۵۱
شابک: ۳-۰۴۰-۴۷۵-۹۶۴
قیمت: ۳۰۰ تومان

«حق چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
مَنْ لَمْ یَسْمَعْ مِنْ سَمْعِیْ
وَلَمْ یَرَوْهُ بِبَصَرِیْ
وَلَمْ یَحِطْ بِحَقِّیْ
فَلَا یَعْلَمُ
مَنْ لَمْ یَسْمَعْ مِنْ سَمْعِیْ
وَلَمْ یَرَوْهُ بِبَصَرِیْ
وَلَمْ یَحِطْ بِحَقِّیْ
فَلَا یَعْلَمُ

ہمانا

طہوراما

ناگہانے نے است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَوَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

«بارالها! در این هنگام و برای همیشه ولی امرت امام زمان حجة بن الحسن را که در رودهایت بر او و پدرانش باد، سرپرست و نگهدار، رهبر و یاور، رهنما و نگهبان باش تا گیتی را به فرمان او درآوری و تا دیر زمان بهره‌مندش گردانی.»

سلام بر آل یاسین! سلام بر آل طه! سلام بر حاکمان و حافظان دین! سلام بر حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

با عرض سلام و آرزوی سعادت برای شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و به نام نامی مهر و به یاد منتظران حضرت مهدی که صدای گام‌های محبوب را می‌شنوند و باور دارند

ظهور سرورشان حضرت ولی عصر و زمان نزدیک است و
بالاخره آن ایام مبارک و خجسته فرا خواهد رسید که
صدای حضرت جبرئیل امین در آسمان عالم طنین انداز شود
و ندای:

«جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»

به گوش عالمیان رسد پس چه خوب است همگان قبل از
وقوع آن دگرگونی عظیم، اشک تضرع بر آستان خالق هستی
جاری کنیم و ظهور هرچه سریعتر مولایمان حضرت مهدی
موعود را طلب نماییم و به ندای:

«هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»

عزیز زهرا لیبیک گوئیم.

البته لیبیکی واقعی نه لیبیکی که کوفیان گفتند و با التماس
دعا به منتظران و دوستاناران حضرت ولی عصر (عج) باید
عرض کرد: هدف از تدوین این اشعار و مدایحی چند، علاقه
مستمعین بود که تقاضای چاپ مطالب مذکور را داشتند،
همچنین این اشعار احساس صمیمانهٔ محبان خاندان
عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد که بر زبانها جاری می شود
و ضمن پوزش از این که نام شریف شعرا ثبت نشده است
البته دلیل عدم ثبت به خاطر در اختیار نداشتن نام چند نفر از
ایشان بود و چند سطری از اشعار نیز، از سروده های

خواهرانی است که مایل نبودند نامشان ثبت شود به همین دلیل برای هماهنگ بودن متن، نام هیچ یک از افراد را ثبت نکردیم.

باشد در سایه اتحاد و همدلی به یاری یکدیگر بشتابیم و برای گشودن درهای بسته، بسیار دعا و استغاثه کنیم و در هر لحظه از روز و شب بگوییم:

شها چشم انتظاران را ز هجران جان بلب آمد

بتاب ای کوکب رحمت برافکن پرده از سیما

ز حد بگذشت مهجوری ز مشتاقان مکن دوری

رخ ماه! ای نکو منظر مپوش از عاشق شیدا

شبی در کلیه احزان قدم بگذار تا گردد

شب تاریک ما روشن، لب خاموش ما گویا

شها! این ندای باغبانان دشت انتظار است که از فراق گل

می نالند و گله از طوفان بلا دارند و آنان هستند که در همیشه

زمان تو یار غائب از نظر را طلب می کنند و با قلبی شکسته و

چشمی گریان می گویند:

بیا مهدی، بیا مهدی

جهان در آتش بیداد می سوزد

بیا مهدی، بیا مهدی

ز بیدادی ندارد شیعه آزادی

بیا مهدی، بیا مهدی

شکسته در گلو فریاد

بیا ای رهبر! شیعه بین احوال امت را.

بیا ای مهدی زهرا! بین گل‌های پرپر را.
 بیا ای خسرو خوبان! بین امت در بحر بلا را که به جرم
 عاشقانه در رخت بودن، برای پایداری دینت می‌میرند.

بیا ای رهبر شیعه! بیا ای منجی انسان!

بیا ای قاطع برهان! بیا ای مایه جان!

بیا ای یوسف کنعان! بیا ای آب زمزم!

وقتی او بیاید، آری او می‌آید.

او با صدای نوح، تیشه ابراهیم، عصای موسی، هیئت
 عیسی و با کتاب محمد صلی الله علیه و آله می‌آید.

آری، می‌آید و دشت‌های سرخ شقایق را می‌پیماید و بر
 مزار شهیدان نماز می‌خواند و خطبه‌رهایی انسان را
 فریاد می‌زند.

این را همه می‌دانند، این را همه می‌دانند.

براستی در طلوع صبح آن روز، سحر می‌درخشد نه مثل
 هر روز و باید به پاخیزند مظلومان و باید به پاخیزند
 محرومان که مهدی با نور خود روشنی بخشد.

بیا مهدی که جهان در انتظار توست.

سلام بر تو ای و عده خدا! سلام بر تو ای پرچم برافراشته!
 سلام بر تو ای کسی که مقدم بر کون و مکان هستی! و تحیت
 بیکران بر تو که همچون خورشید در آسمان هستی خواهی

سلام بر تو ای و عده خدا! سلام بر تو ای پرچم برافراشته!
 سلام بر تو ای کسی که مقدم بر کون و مکان هستی! و تحیت
 بیکران بر تو که همچون خورشید در آسمان هستی خواهی
 درخشید و همچون ماه خواهی تابید و این باور ما شیعیان
 است، بالاخره می رسد روزی که اهل عالم به ماه ما منتظران
 نظاره کرده و بگویند:

ای کاش این ماه، ماه ما هم بود اگرچه تو عزیز زهرا ماه
 همه دنیا هستی و این زبان حال دوستان است که می خوانند:

«ای ماه نمونه»

اگر آن ماه نمونه، رخ خود را بنمونه
 همه بت های جهان را «سرجاشون می نشونه» (۳)

یگانه تمثال علی، یا ابا صالح

منتقم آل علی، یا ابا صالح

امید و آمال علی، یا ابا صالح

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

تویی آن آیت سرمد، تویی آن وارث احمد

که بود روز ظهورت، «فرج آل محمد» (۳)

به نخل خلقت ثمری، یا ابا صالح

به ظلمت شب سحری، یا ابا صالح

تجلی پیامبری، یا اباصالح

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

کم ما و کرم تو، دل ما و حرم تو

به تولای وصال «سر ما و قدم تو» (۳)

دلبر و دلداری منی، یا اباصالح

تو بهترین یار منی، یا اباصالح

همیشه غمخوار منی، یا اباصالح

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

کربلا دیده به راهت، انبیا مست نگاهت

کی شود از پس پرده «آشکار آن رخ ماهت» (۳)

بر همگان سرآمدی، یا اباصالح

آینه دار احمدی، یا اباصالح

حقیقت محمدی، یا اباصالح

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

ای رخ تو بهشت من، یا اباصالح

از گل تو سرشت من، یا اباصالح

عشق تو سرنوشت من، یا اباصالح

یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

منم در آرزوی تو، یا اباصالح

دلم اسیر کوی تو، یا اباصالح

منم به جستجوی تو، یا ابا صالح
 یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)
 منجی خیل بشری، یا ابا صالح
 سُلَّالَه پیامبری، یا ابا صالح
 عزیز جان حیدری، یا ابا صالح
 یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲) یابن زهرا (۲)

یابن زهرا! تویی سلاله پیامبر، تویی جان حیدر، تویی
 امید مادر، تویی آرزوی امت.
 یابن زهرا! یابن زهرا بیا، بیا که بر دل مادرت خانم حضرت
 زهرا غم بسیاری هموار گشته، مادری که هم برای امام عصر
 نگران است و هم برای گرفتاری امت خون دل می خورد،
 حال باید به عده‌ای از امت که با اعمال سوء خود نسبت به
 امام زمانشان غفلت دارند و جفا پیشه کرده‌اند، چنین گفت:

«آی مردم!...»

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

آی مردم! آی مردم! برامون مهدی طبیبه

آی مردم! آی مردم! روی لبانش آیه امن یجیبه

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

یا زهرا! یا زهرا! برا مهدیت دعا کن

یا زهرا! یا زهرا! غم هجرش را دوا کن

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

آی مردم! آی مردم! بگیم با مهدی چه کردیم

آی مردم! آی مردم! با گناه و خطاها، دل مهدی شکستیم

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

وای بر ما! وای بر ما! گل زهارو نشناختیم

وای بر ما! وای بر ما! که او را تنها گذاشتیم

۱ - براستی کلمات وای بر ما! وای بر ما! چه کلمات حسرت‌انگیزی است در همین رابطه یاد دارم در جلسه‌ای از جلسات از زبان خواهری از خواهران همین کلمات را شنیدم او که در بین دعا، از درون خود انقلابی حس کرده بود چندین بار چنین گفت: وای بر من! وای بر من!

وای بر ما! وای بر ما! آنگاه آن بنده خدا نقش بر زمین شد وقتی به هوش آمد سوال کردیم چرا گفتی وای بر من، وای بر ما؟ او گفت: هیچ چیز یادم نمانده است، او پس از چندین روز خوابی را با این مضمون و قافیه تعریف کرد و گفت: «دیدم در عالم خواب آقای قد بلندی، دور و برش پر از نور، نورهای رنگارنگی.

دیدم او را با عمامه سیاه و با صورتی همچون ماه، بالای سرم آمد و به من کرد نگاه.

با خواهش و تمنا بلند شدم من ز جا، دامنش را بگرفتم، به او کردم من سلام. گفتم: مولای خوبم! عزیز من! محبوبم! امشب بده به دستم، پرونده‌ام که هستم، او پرونده‌ام را به دست چپم داد، آن را گشودم و دیدم، پرونده هست سیاه، آنگاه دیدم آقایم می‌رود، دامنش را کشیدم، با گریه و التماس از آن مولا پرسیدم.

گفتم: مولای من! سرورم! آخر کجا می‌روی؟ چرا نیایی تا که رسم به فلاح. راوی گوید، در این لحظه مولایم را دیدم که فرمود:

مگر ندیدی پرونده خودت را؟ پرونده شیعیان همه سیاه است سیاه!!
جمعه به جمعه که پرونده‌ها را می‌بینم، گریه می‌کنم و بعد می‌کشم آه و هی آه. آخر چگونه بیایم، وقتی دوستان خوبم همه هستند پر از عشق، اما با کلی گناه. چگونه شمشیرم را زخم بر شیعیان وقتی مولایم حسین شده سفینه النجاة. من خجالت می‌کشم از روی جدم علی، کنم به صورت او، به فاطمه من نگاه. به شیعیانم بگو: برایم دعا کنند، بگو شما را به جدم علی، کم بکنید از گناه، کم بکنید از گناه.

بار دیگر دیدم مولایم اشک می‌ریزد بر رخس، هی می‌گوید: واویلا! واویلا! در این لحظه مولای خوبم را دیدم که شروع به حرکت کردند تا بروند، مولایی که بسیار ناراحت بودند همان مولایی که با یک دنیا غم با خود حرف می‌زدند و من صدای ملکوتی آن حضرت را شنیدم که با خود می‌فرمودند: ای شیعیان! کم بکنید از گناه تا که ببینید او را، تا که ببینید او را...» البته شیعیان با تقوی بسیارند که خداوند به حرمت ایشان، اعظم بلایا را مهار کرده است و اگر به عده‌ای از شیعیان توصیه می‌شود، منظور همان عده هستند که بی مهابا گناه می‌کنند.

آری، براستی ای شیعیان علی! کم بکنید از گناه، تا که ببینید او را... او را که همگی دوستش داریم و برای دیدار آن سفیر بر حق لحظه شماری می‌کنیم حال چه خوب است برای دیدار ایشان به یک حرکت سازنده و ایده‌آل چنگ بیاندازیم و از خداوند سبحان ظهور پر میمنت آن حضرت را در سایه اتحاد،

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

یا مولا! یا مولا! غم و دردم را دوا کن

یا مولا! یا مولا! به خطاکاران نگاه کن

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

آی مردم! آی مردم! به خدا مهدی می آید

آی مردم! آی مردم! با یه دنیا عشق می آید

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

آی مردم! آی مردم! دست از خطاها بشوئیم

آی مردم! آی مردم! در انتظارش بمونیم

آی مردم! آی مردم! مهدیمون در انتظاره

آی مردم! آی مردم! دل مهدی بی قراره

آی مردم! آی مردم! بعد از این، هم قسم بشیم

آی مردم! آی مردم! که او را تنها نزاریم

آری، بیاید بعد از این هم قسم بشیم که او را تنها نگذاریم

و خطاب به مولای انس و جان حضرت مهدی بگوییم:

«نرگس چشمت»

تو ای عشقُ ای تمام وجودم، تو بود و نبودم
فدای رخ تو، همه عالم

بیا بنگر بر دل غمدیده، که لیلی ندیده
ز غم چه کشیده، به این عالم

یک دم بنگر حال زار مرا، بی قرار مرا
ای تمام وجودم، تو صبح سپیدم
ز نرگس چشمت، ببین چه کشیدم

یا ابا صالح مددی (۲)

یا اباصالح مددی (۳)

بنگر مرغ لب بسته منم، دل شکسته منم

تا سحر بیدارم، سر به زانو دارم

از تو دارم ای گل، هرچه که دارم

یا ابا صالح مددی (۲)

یا اباصالح مددی (۳)

ای جان من غرق سودای تو، وین تماشای تو

دل ندارد ذوق گفتگویت، بی جلوه‌ات آرزویی بی حاصل

بی تو در باغ دل، خود بروید سرو آرزویت

گر در کویش بررسی برسان، این پیام مرا

ای چراغ رویت، من ندارم دیگر
 تاب این شب‌های سرد و خاموش
 یا ابا صالح مددی (۲)
 یا ابا صالح مددی (۳)

اماما! منتظرانت تاب این شب‌های سرد و خاموش حیات
 را ندارند همانان که بسیار حسرت دیدار داشته و می‌گویند:
 اماما! اگر قدر تو را دانسته بودیم اگر عهد و وفانشکسته
 بودیم دل ما خانه غم‌ها نمی‌شد، غم هجران نصیب ما
 نمی‌شد و این زبان حال نادمین است که می‌گویند:

«زبان حال نادمین»

اگر قدر تو را دانسته بودیم

اگر عهد و وفانشکسته بودیم

دل ما خانه غم‌ها نمی‌شد

«غم هجران، نصیب ما نمی‌شد» (۲)

سلیمان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

اگر شرط تولی کرده بودیم

هر آنچه گفته مولا کرده بودیم

سلیمانان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده سوزی که از هجرت بسوزیم

بده اشکی که در پایت بریزیم

بده نوری که جز نورت نبینیم

«تو نزدیکی، که ما دورت نبینیم» (۲)

سلیمانان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده عشقی که در دل، جای گیرد

که این افتاده از پا، پای گیرد

بده شوقی که مشتاق تو گردیم

«همه در بند میثاق تو گردیم» (۲)

سلیمانان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن که مأمورت شویم ما» (۲)

بده رنجی که رنجور تو باشیم

سروری ده که سرور تو باشیم

بده چشمی که گریان تو باشد

«سری ده، گوی چو گان تو باشد» (۲)

سلیمانان! بیا مورت شویم ما

«امیری کن کہ مأمورت شویم ما» (۲)

آری، سلیماننا! بیا مورت شویم ما، امیری کن کہ مأمورت شویم ما.

سلیماننا! بہ منتظرانت اجازہ دہ کہ بگویند: گل سرخ سفیدم کی می آیی، کی می آیی؟

«کی می آیی؟»

گل سرخ سفیدم کی می آیی کی می آیی؟

الاتنہا امیدم کی می آیی کی می آیی؟

تو گفتی: گل درآی من می آیم

گل عالم تموم شد کی می آیی کی می آیی؟

بہار اومد، گل اومد، بلبل اومد

الاتنہا گل مو کی می آیی کی می آیی؟

الہی! تو شاہدی کہ چشم بہ راہان مہدی صاحب زمان چگونہ در انتظار دیدن رخسار ہمچون گل مہدی اند، همانان کہ در وادی فراق و در ہجر یار می سوزند و با صد آہ و فغان می گویند:

«گلی گم کردہام می جویم او را»

گلی گم کردہام می جویم او را بہ ہر گل می رسم می بویم او را

گل من نی بود این و نه آن است
دلہ اندر هوایش می زند پر
خوش آن روزی که باشم یاور او
خوش آن روزی که من پروانه باشم
خوش آن روزی که من در عهد دیرین
الا ای گل کجایی جان فدایت
امان از دوریت شاه زمانه
الا محبوب ما تا کی جدائی
ز درد انتظارت جان به لب شد
بسی رفتند و مردند از فراق
گل من مهدی صاحب زمان است
شرر افکنده بر جانم چو آذر
بمانند گدایان در بر او
فدای آن گل یکدانه باشم
نثار او کنم این جان شیرین
چه باشد که گردم خاک پایت
به پایان می رسد این هجر یا نه
به قربان سرت برگو کجایی
تن فرسوده ام در تاب و تب شد
ندیدند در جهان آن روی ماهت

اماما! صدایت می کنیم با دیده تر، بگو مهدی زهرا کی
می آیی؟ کی می آیی؟
براستی حسرت دیدارت، منتظران را خسته و دل شکسته
کرده، همانان که می گویند:

«حسرت دیدار»

شده صبح جمعه من و تو، دل گرفتار روی ماهت شد
اسیر آن خال هاشمی مستمند نیمه نگاهت شد

بخش آنان بیاید، همانان که در هر روز، هر ماه و هر سال می‌گویند:

«یا مهدی مدد»

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

تسولدت مبارک، دست گل حسینی

چشم دل تو روشن «یا مولا یا حسینی» (۲)

داد از غم جدایی، امید ما کجایی

شده تولد تو «دعا کنیم بیایی» (۲)

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

آقا ببین فقیرم، تو دست غم اسیرم

راضی نشو طبیبم، «نبینمت بمیرم» (۲)

مخور غم جدایی، دعا کنیم بیایی

شده تولد تو، «دنیا میگه میایی» (۲)

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

آقا ببین چه خستم، سر راحت نشستم

به امیدی که روزی، «بگیری دست خستم» (۲)

تو مروهای، صفایی! تو مشعری، منایی!

به درد ما دوائی، «خداکند بیایی» (۲)

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

تو آخرین کلامی، تو آخرین پیامی

تو حجت خدایی، «خدا کند بیایی» (۲)

برای دیدن تو، درخت شکوفه کرده

نذر قدم‌های تو «شهید، جون هدیه کرده» (۲)

یا مهدی یا مهدی یا مهدی مدد (۲)

یا مهدی مدد! یا مهدی! همه منتظرانت زمان را به شوق

دیدار تو سپری می‌کنند تا بیایی و ببوسند خاک قدمگاهت

را، پس بیا ای گل نرگس! که منتظر هستیم سر راهت.

«گل نرگس»

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستیم سر راهت گل نرگس (۲)

ای تموم عشق و مستی ای شکوه حق پرستی

از خدا چیزی نخواهم هر چه می‌خواهم تو هستی

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستیم سر راهت گل نرگس (۲)

ای همه عشق و امیدم عشق تو با جون خریدم

دل به تو دادم اگرچه روی ماهت را ندیدم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

زنده از روی تو هستم بسته موی تو هستم

سربلند عالمینم سائل کوی تو هستم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

ای همیشه غمگسارم آبرو و اعتبارم

نذر چشمهای قشنگت همه دار و ندارم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

تو کویر دل می خونم زندگی بی تو حروم

جون سپردن تو قدمهات این تموم آرزویم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس

منتظر هستم سر راهت گل نرگس (۲)

گل نرگس! بیا و درمان باش دردمند را، آزادگان را خوشی

تازه ببخش.

ببخش به ایمان از کف دادگان ایمان را، به کودکان اندیشه

سالمدان را و به سالمندان پاکی کودکان را.

بیا ای گوهر شب چراغ! بیا امت خود را از گرفتاری

نجات ده.

بیا ای قافله سالار! بیا کتاب آسمانی ات قرآن را از غربت خلاص کن.

بیا ای چلچراغ محفل یاران! بیا منتظرانت را از انتظار رهایی بخش، همانان که بی صبرانه به دنبال گمشده خود می‌گردند ولی متأسفانه نمی‌دانند که عزیز خود را در کدام شهر و دیار جستجو کنند.

آری، آنان ساریبان حیات خود را می‌طلبند و با شکوه از ایام هجر می‌گویند: که ای ساریبان آهسته ران که آرام جان گم کرده‌ام.

آرام جان گم کرده‌ام.

«ای ساریبان آهسته ران»

ای ساریبان آهسته ران	آرام جان گم کرده‌ام (۲)
آخر شده ماه حسین	من میزبان گم کرده‌ام (۲)
در می‌یکده بودم ولی	بیرون شدم از غافلی
ای وای از این بی حاصلی	عمر جوان گم کرده‌ام (۲)
پایان رسد شام سیه	آید حبیب من ز ره
اما خدا حالم ببین	من یار را گم کرده‌ام
ای وای از این غوغای دل	از دلبرم هستم خجل

وقت سفر ماندم به گل	من کاروان گم کرده‌ام
نعمت فراوان دادی‌ام	منت به سر بنهادی‌ام
صاحب زمان گم کرده‌ام	صاحب زمان گم کرده‌ام
من بنده کوی عشقم	من شاه را گم کرده‌ام
بنو شتم این نامه چنین	با خون دل ای مه جبین
اما ببین بخت مرا	نامه رسان گم کرده‌ام
شرمنده‌ام اما بگم	آقا تو را گم کرده‌ام

آقا جان شرمنده‌ایم که بگوییم، مولا! تو را گم کرده‌ایم ولی ما شیعیان در این برهه از زمان که همه غم‌ها و ناراحتی‌ها به سویمان هجوم آورده، می‌دانیم به کدام مرکب سوار شویم و چه سلاحی به دست گیریم تا به مقصد رسیم.

آری، ما منتظران با پناهنده شدن به خدای سبحان، می‌بایست اطاعت و عبادتی در خور یک شیعه حقیقی را پیشه خود کرده و با دعا و استغاثه به درگاه باری تعالی، مولای خود را طلب کنیم و با یک دنیا امید و محبت دعاگوی ظهورش باشیم.

باشد دعای ما به اجابت رسد و اذن ظهور از جانب پروردگار یکتا صادر گردد تا پرچم فتح و ظفر بر بام جهان هستی به اهتزاز درآید. ان شاء الله

«دعا گوی ظهور»

من دعا گوی ظهورم طلب درک حضورم

ولی در حجاب نورم (۲)

من که اینسان بی قرارم دعوی عاشقی دارم

تو را تنها نمی زارم (۲)

تو به قلب من حبیبی تو به درد من طبیبی

گرچه در عالم غریبی (۲)

قبلة جانم تویی تو روح و ایمانم تویی تو

تو امام انس و جانی (۲)

منتظر بر تو جهانی تو امید بی کسانی

تو سرور کاروانی (۲)

همه عمرم سپری شد هجر تو دردسری شد

حاصلش خون جگری شد (۲)

عشق تو آب حیاته حُب تو برگ براته

وعدۀ ما عرفاته (۲)

آری، وعدۀ ما عرفاته! وعدۀ ما در خانه خداست همان
خدایی که با فرمان ظهور، مولای انس و جان را به فریاد
مظلومان جهان خواهد فرستاد تا دیدار با یگانه سردار هستی

محقق گردد، همان سرداری که برای نجات بشر در راه است
و این ماییم که می‌گوییم:

بیا مهدی ز قیامت جهان پر کن ز عدالت

بیا ای رؤیای حقیقت! بیا ای ناخدای کشتی حق و
عدالت! بیا ما را به سوی ساحل خوشبختی رهنمون باش.
بیا ای مصداق و عده‌الهی! بیا به عهد بسته شده وفا کن! بیا
که فریاد دادخواهی در میان مظلومان و محرومان بلند است،
همانان که صبح و شام تو را می‌خوانند.

بیا تو ای صاحب‌زمان! بیا تو ای صاحب‌زمان! رسد
صدای الامان، رسد صدای الامان.

بیا ای مشعل روشنی بخش که تنها تویی امید ما!
بیا در دل شب بیا! بیا دنیای تاریک و ظلمانی ما بندگان
خدا را روشنی بخش.

بیا مگر نه این که صبح پیروزی نزدیک است؟

«بیا مهدی»

«بیا مهدی که با تو آسمانیم

تو دریایی ما رود روانیم» (۲)

اگر یک روز هم ابری بیبارد^۱

«تو خورشیدی ما رنگین‌کمانیم» (۵)

«بیایی با موج، با دریا بخوانیم

بیایی با باد، در صحرا بخوانیم» (۲)

۱ - با سلام و درود فراوان به منتظران حضرت مهدی و با آرزوی سعادت و سلامت همگی ایشان در عصر ظهور و حضور ان شاء الله.

علاقتمندم تا از خاطره‌ای یاد کنم، خاطره‌ای به یاد ماندنی از آن شب که جشن تولد سفیر زمین و آسمان حضرت مهدی را گرفته و سپس راهی مسجد مقدس جمکران شدیم و پس از انجام فرایض به دور چاه جمکران اجتماع کرده و با علاقتمندان آن حضرت شعر بیا مهدی را خواندیم.

آری، ما در حال خواندن (بیا مهدی که با تو آسمانیم...) بودیم تا این که به بیت دوم رسیدیم و گفتیم: (اگر یک روز هم ابری بیبارد تو خورشیدی ما رنگین‌کمانیم) هیچ وقت فراموش نخواهیم کرد که در آن شب آسمان پر از ستاره بود ولی یکباره باران همچون شبنم باریدن گرفت که گویی آسمان همچون گلاب پاشی شده که گلاب بر سر و روی حاضران می‌پاشید و ما به مدت طولانی می‌خواندیم: (اگر یک روز هم ابری بیبارد تو خورشیدی ما رنگین‌کمانیم).

آری، آسمان هم به مدت طولانی با ما همراهی کرد و محبت خود را با بارانی عطرآگین ابراز نمود تا آنجا که همگان شگفت زده شدند چون آن زمان فصل بارش باران نبود.

حال ما به خورشید زمین و زمان می‌گوییم: ای خورشید هستی بخش! رنگین‌کمان‌ها را دریاب که به دورت حلقه زده‌اند، آنان از تو جدا نخواهند شد و تو نیز برای رضای خدا از آنان جدا مشو و امید است آن روز برسد که ما همگی همچون رنگین‌کمان به دور خورشید وجودت حلقه زنیم و ما آرزو داریم با ظهورت باران خوشبختی و رحمت بر هستی ما بیچارگان بیبارد تا حیات مجدد را با شادی و شادمانی پی‌گیریم آن هم در معیت و خدمت بزرگواری همچون شما! ان شاء الله

برای شادی مادرت زهرا

«دعای وحدت و آزادی بخوانیم» (۲)

یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا

یا ایها المؤمنون اتحدوا اتحدوا

براستی چرا اتحاد؟ چون مهدی ان شاء الله می آید.

«مهدی می آید»

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

مهدی آل محمد می آید، می آید، می آید

منجی قرآن و مکتب، می آید، می آید، می آید

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

فرزند زهرا اطهر می آید، می آید، می آید

نوه رسول اکرم می آید، می آید، می آید

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

بوی خوش چون بوی عنبر می آید، می آید، می آید

پدر همه یتیمان می آید، می آید، می آید

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

طیب همه مریضان می آید، می آید، می آید

نیاز همه نیازها می آید، می آید، می آید

مهدی می آید، مهدی می آید، مهدی می آید (۲)

بارالها! تو شاهد باش که این کلام، قلب باور ماست و این باور سالها به صورت جمله‌ای امیدوار کننده بر زبان منتظران جاری بوده و هست، همانان که سالهای سال گفته‌اند و تا سال ظهور خواهند گفت:

مهدیا! مهدیا! می آیی سال نو بیا، سال نو بیا.
آمدنت مبارک، آمدنت مبارک.

آری، منتظران باور دارند که بالأخره آن روز خجسته فرا خواهد رسید که دوران هجران به پایان رسد و اذن ظهور به فرمان خدای مهربان تحقق یابد، ما منتظران حضرت مهدی به امید همان فردا، همان روزهای مبارک، زمان را پشت سر می‌گذاریم و در هر لحظه از زمان می‌گوییم:

مهدیا! مهر تو دریا و دل ما ماهی

ماهی از آب چو گردید جدا می‌میرد

مهدیا! زود بیا زود بیا کز اثر فسق و فجور

نور ایمان به خدا در دل ما می‌میرد

مهدی جان! ما مریضیم تویی بر همه خلق طبیب

مریضت ندهی گر تو دوا می‌میرد

مهدی جان! تو گل مایی، می‌دانیم روزی که باز

آیی، خوبی همه جا می‌گیرد، زشتی همه می‌میرد، زشتی

همه می‌میرد.

مهدی جان! ما هم چنان تا روز ظهورت به خدای مهربان

التماس خواهیم کرد به امید آن که همگی مورد رحم و شفقت خدا قرار گرفته و اذن ظهور صادر شود، همچنین امید است امام عصر که جان عالمیان به فدای اوست کرم نموده و ملتسمسان را حاجت روا فرماید که می گویند:

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی کوثر، به جان مادرت زهرا،
رواکن حاجت ما را، رواکن حاجت ما را.

تویی مولا! ماییم سائل، روا آسان توهر مشکل، بیا مولا، بیا مولا،
رواکن حاجت ما را، رواکن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

تویی سرور، تویی مولا، ماییم مجنون و سرگردان، بیا مولا، بیا مولا،
رواکن حاجت ما را، رواکن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

تویی دردم، تویی درمان، به جان مادرت زهرا، بیا مولا، بیا مولا،
رواکن حاجت ما را، رواکن حاجت ما را.

مهدی جان! جان پیغمبر، به جان ساقی

مهدیا! به جان مادرت زهرا، رواکن حاجت ما را؛ زیرا نداریم از سر
کویت نشانه تا گردیم به سویت روانه.

«زبان حال هر یک از منتظران حضرت مهدی»

ندارم از سر کویت نشانه

که تا گردم به سوی تو روانه

ولی باز از تو ممنونم که دارم
 به لب از نغمهٔ عشقت ترانه
 کجا آیم، نمی‌دانم کجایی
 مگر لطفی کنی پیش من آیی
 هزاران بار من لی غیرک از من
 شنیدی باز هم بی‌اعتنایی
 فتاده در بر تو بینوایی
 گدایی، دردمندی، مبتلایی
 مریضی، ناامید از هر طبیبی
 طبیبها! از تو می‌خواهد دوایی
 اگر لطفی کنی آیی کنارم
 به خاک پای تو سر می‌گذارم
 برای دیدنت جز نیمه جانی
 که بر لب آمده چیزی ندارم
 از این دنیا، فراق کرده پیرم
 از آن ترسم به هجرانت بمیرم
 اگر خواهی نباشی همدم من
 به دام خود چرا کردی اسیرم؟
 گدایان بر سر راهت نشستند
 همه بر لطف تو محتاج هستند

تو هم یک گوشه چشمی کن که آنان
 به تو پیوسته، از غیرت گسستند
 آری، ای مهدی صاحب زمان! منتظران به تو پیوسته از
 غیرت گسستند، همانان که دنبال گمشده خود می‌گردند و
 خطاب به مولای خود می‌گویند: یا ابا صالح مددی مولا.

«یا ابا صالح مددی مولا»

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا بروم به بهانه تو

که مگر برسم در خانه تو

که تو مولای منِ مجنونی

«همه هست من، همه هستی من» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

نشوم به جز از تو گدای کسی

به ولای تو من نکشم نفسی

دل خود زده‌ام گره بر در تو

«چه شود برسم در محضر تو» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

من ناقابل به تو دل بستم

نکشی دامان خود از دستم

به خدا هستی همه هستم

«به تو دل بستم به تو وابستم» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

همه جا دنبال تو می‌گردم (۲) که تویی درمان همه دردم (۲)

یا ابا صالح مددی مولا (۳)

اگرم نبُود، دل لایق تو

نظری که دلم شده عاشق تو

من ناقابل، به تو دل بستم

«نکشی دامان خود از دستم» (۲)

یا ابا صالح مددی مولا....

ابا صالح! بگو تا کی انتظار؟ تو که راز خدایی، خدا کند

بیایی و این دعای هر یک از منتظران است که می‌گویند:

«دعای منتظر»

تویی که راز خدایی، «خدا کند که بیایی» (۲)

تو نور غیب نمایی، «خدا کند که بیایی» (۴)

شب فراق تو جاننا، خدا کند که سرآید
 سرآید و تو بیایی، «خدا کند که بیایی» (۴)
 خدا کند که نیاید، دمی که بی تو سرآید
 تو روح صلح و صفایی، «خدا کند که بیایی» (۴)
 به گفتگوی تو دل‌ها، به جستجوی تو دنیا
 الا که هستی مایی، «خدا کند که بیایی» (۴)
 دل مدینه شکسته، حرم به راه نشسته
 تو حجت خدایی، «خدا کند که بیایی» (۴)
 تو کعبه‌ای! تو عرفاتی! تو مشعری! تو منایی!
 تو مروه‌ای! تو صفایی! «خدا کند که بیایی» (۴)
 «خدا کند که بیایی» (۴)
 آخر انتظار تا به کی؟
 از هجر تو بیقرار تا به کی؟
 سرگشتگی‌ها تا به کی؟
 یابن الحسن فریاد رس.

«یابن الحسن فریاد رس»

یابن الحسن فریاد رس گوییم: ما در هر نفس
 یابن الحسن فریاد رس (۲)
 ای یاور غمدیدگان ای حامی درماندگان
 یابن الحسن فریاد رس (۲)

پشت و پناه بی کسان باز آی، ای آرام جان

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای یادگار مصطفی ای نور چشم مرتضی

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای طالب و مطلوب ما ای مونس و محبوب ما

یابن الحسن فریاد رس (۲)

ای مهدی محبوب ما گوئیم: هر صبح و مساء

یابن الحسن فریاد رس (۲)

این المعز الاولیا عمری ز هجرت بی قرار

یابن الحسن فریاد رس (۲)

شاهها ز مهر و از وفا خونخواه شاه کریلا

یابن الحسن فریاد رس....

یابن الحسن! به پهلو شکسته مادرت زهرا به فریاد رس،
به فریاد رس و از خداوند بخواه تا هر چه زودتر اذن ظهور
صادر شود و فجر صادق بدمد و با بشارت جبرئیل امین
صدای هلله و تکبیر مستضعفان تا به عرش خدا برسد؛ زیرا
منتظران باور دارند بالاخره آن روز مبارک فرا خواهد رسید
که صالحان، منتظران، مظلومان عالم سر و سینه زنان به
استقبال مولای خود بشتابند، همانان که تا آن روز خطاب به
تو مولای عرش و فرش می گویند: یا ابا صالح التماس دعا.

«التماس دعا»

ابا صالح التماس دعا، هر کجا رفتی یاد ما هم باش
نجف رفتی، کاظمین رفتی، کربلا رفتی، یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

مدینه رفتی به پابوسی قبر پیغمبر، مادرت زهرا
به دیدار قبر بی شمع مجتبی رفتی، یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

زیارت نامه که می خوانی در کنار آن تربت خاموش
به دنبال قبر مخفی از کوچه ها رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

بغل کردی قبر مادر را، جای ما هم او را زیارت کن
همان لحظه که بر احوالش، از نو رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

شب جمعه کربلا رفتی، یاد ما هم کن چون زدی بوسه
کنار قبر ابا الفضل با صفا رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

بزن بوسه جای ما روی فرق و لبهای اصغر و اکبر
سر قبر قاسم و قبر عمه ها رفتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

برای بوسیدن آن دوردانه ها رفتی یاد ما هم باش

شوی مُحرم در مراسم حج یا منافرقتی یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

بزن بر ما مهر تأیید و مهر ایمان و مهر طاعت را

دعا کردی از برای فرج، التماس دعا یاد ما هم باش

ابا صالح التماس دعا (۲)

به هنگام گریه‌های پر سوز و پر آهت وقت تنهایی

به یاد این سائل درب آستان باب العطا هم باش

ابا صالح التماس دعا...

یا ابا صالح! ما منتظران ظهورت تا روز حضور التماس و

زاری خواهیم کرد به امید آمدنت.

یا ابا صالح! ما منتظران لحظه‌ای غافل از غربت مظلومان

عالم نخواهیم بود؛ زیرا ما نیز غربت را تجربه کرده و این

باور ماست: می‌رسد روزی که این هجران تلخ به پایان رسد

و زندگی نوین در سایه آن امام همام آغاز گردد و باید هم،

چنین بشارتی را باور داشت که نجات بخش مظلومان عالم

خواهد آمد و این نویدی خجسته است برای همه منتظرانی

که در انتظارند، همانان که می‌دانند بالاخره خستگان عشق را

ایام درمان خواهد آمد، خواهد آمد. ان شاء الله

«خستگان عشق»

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد

غم مخور، آخر طبیب دردمندان خواهد آمد
 آنقدر از کردگار خویش امیدوارم
 که شفا بخش دل امیدواران خواهد آمد
 باغبانا! سختی دیمه سی روز است و آخر
 نوبهار و نغمه مرغ خوش الحان خواهد آمد
 بلبلان شوریده را اندر خزان بر گو نمانند
 باغ و صحرا سبز و این دنیا گلستان خواهد آمد
 صبر کن یا فاطمه! ای بانوی پهلو شکسته
 مهدیت با شیشه داروی درمان خواهد آمد
 آنقدر آخر منال از ضربت بازو و پهلو
 مونس تو، پادشاه دنوازان خواهد آمد
 محسنت از ضربت مسمار، گر مقتول گشته
 عنقریب، دادخواه بی گناهان خواهد آمد
 اصغرا! از ضربت زخم گلو دل را مسوزان
 غم مخور مرهم گذار زخم پیکان خواهد آمد
 آری، امید است مرهم گذار زخم دل مظلومان عالم بیاید
 و به فریاد همه دردمندان و ستم کشیدگان برسد.
 همانان که می گویند:
 بارالها! همه از بی خودی خود دلتنگ، همه گویند: به صد
 آه و فغان.
 بارالها! تو به این زودی زود قائم آل محمد برسان.

بارالها! قائم آل محمد را به مدد همهٔ مظلومان برسان که
ندای دادخواهی ایشان بلند است و ما نیز با همهٔ دوستان
آن حضرت برای به اجابت رسیدن دعاهایمان سرود
السلام... را می خوانیم: به امید تعجیل در فرج آن
بزرگوار. ان شاء الله

«السلام ایها القائم المنتظر»

السلام ایها القائم المنتظر

السلام ای جهاندار والاظهر (۲)

بر تو ای یادگار محمد سلام

بر تو ای نور قرآن سرمد سلام (۲)

مهدی جان! مهدی جان! جانها همه فدایت

مهدی جان! مهدی جان! کن عیان رخسار ماهت

کعبه را کن تکیه گاهت

«دست حق پشت و پناهِت» (۲)

کعبه را کن تکیه گاهت

«دست حق پشت و پناهِت» (۲)

العجل، العجل یا حجت بن الحسن (۴)

«منتظران، منتظرن العجل

ای نظر حق نظرت العجل» (۲)

یا حجت بن الحسن عجل علی ظهورک...

«العجل یوسف گم گشته بیا!»

العجل یوسف گم گشته بیا
 مه‌هدیا منتظر روی تویم
 بهلوی فاطمه بشکسته بیا (۲)
 تشنه چهره نیکوی تویم
 روز عید است و ثناگوی تویم
 روز و شبها به تکاپوی تویم
 العجل یوسف گم گشته بیا (۲)

تو گل انجمن خوبانی
 ما که جسمیم و تو تنها جانی
 ز چه از دیده ما پنهانی
 درد دل‌های همه می‌دانی
 العجل یوسف گم گشته بیا (۲)

یوسفا جمله خریدار تویم
 همه دیوانه دیدار تویم
 منتظر بر سر بازار تویم
 همه سرگشته رخسار تویم
 العجل یوسف گم گشته بیا (۲)

گل روی تو تماشا دارد
 چشم در راه تو دنیا دارد
 عکس رویت همه دلها دارد
 انتظاری تو زهرا دارد
 العجل یوسف گم گشته بیا (۲)

باعث راحتی جان همه
 در رخت دیده گریان همه
 نظر لطف تو بر خوان همه
 مهر تو سایه ایمان همه

العجل یوسف گم گشته بیا (۲)

دل ما بر دل تو بسته بیا
 دل ما بر دل تو بسته بیا
 هر دری بر روی ما بسته بیا
 هر دری بر روی ما بسته بیا

العجل یوسف گم گشته بیا...

مژده ای دل، شام مشتاقان به سر خواهد رسید
 وز پس این تیره شب، تابان سحر خواهد رسید
 ای زبان کم شکوه کن، از تلخی ایام هجر
 دوره‌ای شیرین‌تر از شهد و شکر خواهد رسید
 دیگر ای چشم، از اسف بر ما مکن طوفان نوح
 که آرزوی دل، امید جان زدر خواهد رسید
 دیگر ای یعقوب! سیل اشگ در دامن مریز
 یوسف گم گشته خندان از سفر خواهد رسید
 ناامید و خسته در صحرا میوی ای کاروان
 رهبر گم‌گشتگان در به در خواهد رسید
 آری، رهبر گم‌گشتگان در به در خواهد رسید و این ندای
 هر منتظر چشم به راهی است که خطاب به ولی عصر و
 زمان می‌گوید:

«یابن الحسن! یابن الحسن!»

دیده‌من قابل، دیدن روی تو نیست (۲)

هیچ گلی در جهان به عطر و بوی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن (۲)

جان به فدایت کنم رخ بنما در برم (۲)

یابن الحسن عشق من، به غیر روی تو نیست (۲)

یابن الحسن، یابن الحسن (۲)

در پی تو روز و شب، به کوی و برزن روم (۲)

شیعه نباشد آن کس، به جستجوی تو نیست (۲)

یا بن الحسن، یا بن الحسن (۲)

می طلبم من تو را، به مادرت فاطمه (۲)

طالب طلب ندادن به شأن و خوی تو نیست (۲)

یا بن الحسن، یا بن الحسن...

یا بن الحسن! ای امام زمان! برستی که طالب طلب ندادن

در شأن و خوی تو نیست؛ زیرا تو خوب می دانی شب و روز

منتظران و دوستدارانت غرق در غم و اندوه گشته، همانان که

هر صبح و شام می گویند:

«مهدیا! تو نماز شب دعا کن»

که می خوام بگم براتون

تا بیوسم خاک پاتون

مثل آسمون پاییز (۲)

دوباره کرده هواتون

که آنگه تو رو ببینم

چونم بدم براتون

تو دلم یه دنیا حرفه

تو بگو به من کجایی

آقا چون دلم گرفته

می دونم مرغ دل من

با خودم یک عهدی بستم

با همون نگاه اول

گل زهرا، گل زهرا، گل زهرا

گل زهرا، گل زهرا، گل زهرا

چه خوبه خونه قلبم
 حک کنی رو صفحه دل
 چی می شه یه بار شبونه
 روی ماه تو بینم
 ما رو هم یه نیمه شب
 تا صبا برام بیاره
 بیا تا برات بمیرم
 الهی به جون بگیرم
 بیا تا دورت بگردم
 بیا ای یوسف زهراء علیها السلام
 گفتی پر خون می شه چشمات
 الهی که من بمیرم

بشه جای تو همیشه
 نقش روی دل رو باتون
 رد شی از کوچه قلبم (۲)
 یا که بشنوم صداتون
 تو نماز شب دعا کن
 صدا و سوز دعواتون
 که به عشق تو اسیرم
 همه درد و بلا تون
 حالا که اسیر دردم
 ببوسم شال عزاتو
 از غم داغ شقایق
 نبینم خون چشاتون

مهدیا! همه دل شکسته چشم انتظار ذولفقارن.

شیعه ها تا تو نیایی سر و سامونی ندارن.

می دونم که می شکنی هر چی بت با یک اشاره.

کار ما به شور و شین یا لثارات الحسین.

مهدیا! ای تنها ناخدای کشتی نجات و ای منتقم مظلومان

جهان بیا.

مهدیا! بیا تا حسین حسین بگیرم کربلا، بگیرم حسین

دروانما به روی ما ای امام.

مهدیا! می دانیم بالاخره این آرزو به سر منزل خواهد رسید و چتر الطاف الهی بر سر همگان سایه خواهد گسترد به امید آن که نظام توحیدی در سرتاسر جهان برقرار شود و به امید حق، خداوند ما را یاری می رساند تا بر مرکب انسجام و اتحاد سوار شده و با سلامت از آخرین تونل به در آییم و به فضای باز و روشن حیات نوین قدم گذاریم.

البته از زمان ظهور بی خبریم و نمی دانیم آن روز کی فرا خواهد رسید ولی امید داریم که خداوند به بیچارگان درمانده، به آوارگان در به در، به بیماران دل شکسته، به همهٔ بندگان در جای جای دنیا ترحم کرده و هر چه زودتر اذن ظهور را صادر فرماید تا تو بتوانی بیایی، بیایی و با منتظرانت همسفر شوی تا همگی به کربلا رویم و بگوییم: ای کربلا! ای کربلا! ای تربت خونین حسین! عازم دیدار تو اند قافلهٔ پیر خمین.

آری، به همگان بگوییم: با خبر باشید ره قدس از کربلاست پس به پا خیزید به یاری صاحب زمان... باید بی باک در جهاد حاضر شویم و بگوییم: ای حسین!

هیئات من الذلة ره توشه تو

ای اطلس خون عشق تن پوشه تو

گردی که گرفته قبرشش گوشه تو

فردا به گلاب دیدگان می شویم

ای حسین فاطمه! به حرمت مادرت خانم حضرت زهرا

شفیع شو و بہ فریاد بی کسان رس کہ چشم امید بہ شما دارند
و دست بہ دامن شما عزیزان شدہ اند، شما را بہ خدا قسم
ہمگان را یاری دہید.

یاری دہید تا صبح پیروزی.

باشد بہ ذات اقدس خدای متعال دعای ما بینوایان عالم بہ
اجابت رسد و ظہور پر میمنت یگانہ منجی عالم بشریت ہر
چہ زودتر محقق گردد تا در سایہ پرچم فتح و ظفر حیات
دوبارہ یابیم و باور داریم آخر شب تار ما سحر می گردد، این
نالہ و آہ ما اثر می گردد.

سوگند بہ آن چہارده آیہ نور، آن سید سبز پوش برمی
گردد، برمی گردد و این ندای ہمہ منتظران است:

بخوان ای ہمسفر! بخوان ای ہم دین و ای ہم وطن.

بخوان کہ خواندن نخستین کلام وحی است.

بخوان کہ میوہ خواندن، بصیرت است، ہجرت است و
رہایی است.

آری، بخوان بہ یاد مجاہدان و دیدار یار.

بخوان بہ یاد ساحل نجات و بہ یاد ناخدای کشتی انقلاب.

انقلاب ظفر مند بزرگ منجی عالم حضرت مہدی

موعود (عج).

«بخوان ای همسفر با من»

ولی بسان غمۀ شادی	بخوان ای همسفر با من
دمد خورشید آزادی	بخوان تا شب فرو ریزد
بخوان ای همسفر با من	برای مرگ اهریمن
به طوفانها و ساحلها	شب هجرت رسید آخر
که بر بندید محملها	جرس فریاد می دارد
بخوان ای همسفر با من	به نر می همچنان آهن
ز بار کینه شد سنگین	بخوان کین سینه شد خونین
بخوان ای همسفر با من	مسترس از دشمنه و دشمن

بخوان، بخوان با راهیان ره که فردا آفتاب آید

طلوعی می کند خورشید صبح آزادی

بسوزد تا تمام ظالمان را، با شتاب آید

به پایان می رسد آخر	بخوان کین راه طولانی
بهار می رسد آخر	زمستان می رود آری
بخوان ای همسفر با من	جهان گردد چنان گلشن

آری، بخوان به یاد قائم آل محمد که با ظهور مبارکش دین
مبین اسلام را بر جهان حاکم کرده و با سوغات پیروزی، غبار
غم را از دلها می زداید، سعادت و سلامت را به همگان هدیه
می کند. ان شاء الله

آمین یا رب العالمین برحمتک یا الرحم الرحمین

من
بہا خواہم خوات، در مالیکہ بیان

بہ یک از گلستان بہرہ نیت

پامندے



فهرست

۸	ای ماه نمونه
۱۰	آی مردم!
۱۴	نرگس چشمت
۱۵	زبان حال نادمین
۱۷	کی می آیی؟
۱۷	گلی گم کرده ام...
۱۸	حسرت دیدار
۲۰	یا مهدی مدد
۲۱	گل نرگس...
۲۳	ای ساریبان آهسته ران
۲۵	دعاگوی ظهور
۲۶	بیایا مهدی
۲۸	مهدی می آید
۳۰	زبان حال منتظران...
۳۲	یا ابا صالح مددی مولا!
۳۳	دعای منتظر
۳۴	یا بن الحسن فریاد رس
۳۶	التماس دعا
۳۷	خستگان عشق
۳۹	السلام ایها القائم المنتظر
۴۰	العجل یوسف گم گشته بیایا!
۴۱	یا بن الحسن! یا بن الحسن!
۴۲	مهدیا! تو نماز شب دعا کن
۴۶	بخوان ای همسفر با من